



## آمریکا علیه آمریکا

با کمی چشم‌پوشی می‌توان چنین گفت که کشور آمریکا از بدو کشف و بنیانگذاری یکی از مهم‌ترین سوژه‌های هنر و شعر اعتراضی بوده است. آمریکا به مثابه سرزمینی تمامیت‌خواه چه از نظر سیاسی و چه از حیث اقتصادی همیشه در تیررس هنرمندان، نویسندگان و شاعران جهان بوده است. این موضوع در قرن بیستم خصوصاً نیمه دوم- آنچنان پرِسامد شد که «آمریکا» بیش از آن‌که در متون ادبی به شکل اسم خاص بروز کند، معنایی استعاری و سیاسی پیدا کرد.

با کمی چشم‌پوشی می‌توان چنین گفت که کشور آمریکا از بدو کشف و بنیانگذاری یکی از مهم‌ترین سوژه‌های هنر و شعر اعتراضی بوده است. آمریکا به مثابه سرزمینی تمامیت‌خواه چه از نظر سیاسی و چه از حیث اقتصادی همیشه در تیررس هنرمندان، نویسندگان و شاعران جهان بوده است. این موضوع در قرن بیستم - خصوصاً نیمه دوم- آنچنان پرِسامد شد که «آمریکا» بیش از آن‌که در متون ادبی به شکل اسم خاص بروز کند، معنایی استعاری و سیاسی پیدا کرد.

منتقدان و نظریه‌پردازان از یک سو و داستان‌نویسان و شاعران از سوی دیگر در صف مقدم اعتراض به بنیان‌های فرهنگی، سبک زندگی مصرف‌گرایانه و سیاست سلطه‌طلبانه آمریکا برآمدند. گاهی هنرمندانی غیرآمریکایی سراغ آن می‌رفتند و گاهی هم هنرمندانی زاده و پرورش‌یافته آمریکا. شاعران آمریکای لاتین از جمله پابلو نرودا یا فردریکو گارسیا لورکا بارها آمریکا را موضوع شعر خود کردند یا دست‌کم بخشی از بن‌مایه‌های اعتراضی‌شان را به همین موضوع اختصاص دادند. مثلاً در سطر از شعر مشهور «چکامه برای والتمن» از فردریکو گارسیا لورکا به فارسی بیژن الهی چنین می‌خوانیم: «مرغزاران را / رقص دیوارها می‌آشوبند، و آمریکا از ماشین‌ها و گریه‌ها خفه می‌شود».

اما مهم‌ترین منتقدان عصر نو آمریکا نویسندگان و شاعران آمریکایی بودند. آشکارترین مواضع سیاسی در این زمینه از سوی یکی از مهم‌ترین جنبش‌های ادبی سده بیستم آمریکا یعنی نسل بیت اتخاذ شد. نویسندگان و شاعران آوانگاردی نظیر جک کرواک، ویلیام بارز، آلن گینزبرگ یا گریگوری کورسو به انحای مختلف این اعتراض را نمایش داده‌اند، حتی به شکل نمایشی خیابانی با گریم کردن خوک‌ها به نمایندگی رئیس‌جمهور آمریکا. جک کرواک در رمان «های معروفی نظیر» و لوگردهای دارما را در راه‌ها و ویلیام بارز با زندگی دیوانه‌وار و آثار آوانگاردش انتقادهای سرسختانه‌ای علیه حکومت ابراز کرد و شاعر بزرگی مثل گینزبرگ به سیاق هم نسلانش بارها بی‌مسئولیتی‌ها و رفتارهای غیر انسانی دولتمردان آمریکایی را نشانه رفته‌اند.

## آمریکا و گینزبرگ

گینزبرگ در شعر بلند «آمریکا» بخشی از مهم‌ترین ایده‌های ضدآمریکایی‌اش را مطرح کرد. از آنجا که این شعر را می‌توان یکی از مهم‌ترین شعرهای سده بیستم آمریکا در این زمینه برشمرد، نیمی از آن را با ترجمانی جدید ضمیمه‌ای این جستار کردیم. این شعر پیشتر توسط مترجمانی نظیر علی اصغر بهرامی (کتاب «شعر عصیان»؛ نشر نی، 1384)، شروین افشار و رامتین شهرزاد به صورت رسمی و غیررسمی منتشر شده است.

## آمریکا

آمریکا، همه چیزم را به تو بخشیدم و اکنون هیچ ندارم.

آمریکا، دو دلار و بیست و هفت سنت در 17 ژانویه 1956. (1)

تحمل ذهنم را ندارم.

آمریکا، کی این جنگ انسانی را تمام می‌کنی؟

برو، و خودت را با بمب اتمت به باد بده!

اصلا حال خوبی ندارم، گمشو پی کارت!

تا زمانی که خوب نشوم شعرم را نمی‌نویسم.

آمریکا، پس کی فرشته‌ها می‌وار می‌شوی؟

پس کی این لباست را از تن می‌کنی؟

کی از میان گورت به خودت نگاه می‌کنی؟

کی ارزش یک میلیون تروسکیت‌ها (2) را می‌فهمی؟

آمریکا، چرا کتابخانه‌ها پر از اشک است؟

آمریکا، کی تخم‌ها و مرغ‌ها می‌هايت را می‌فرستی هند؟

حالم از خواسته‌های دیوانه‌ها و اورت به هم می‌خورد.

کی می‌توانم بروم سوپرمارکت و هر چه دلم خواست را با این جمال بخرم؟

آمریکا بعد از تمام اینها، من و تویم که کاملیم، نه جهان بعدی.

دم و دستگاه تو برای من خیلی عریض و طویل است.

تو آخرش هم قدبسم می‌کنی.

حتما راه‌های دیگری هم برای آرام کردن این دعوا هست.

بارز (3) طنجه است و من فکر نمی‌کنم برگردد. این، خود شر است.

تو خود شر هستی یا این یک جور شوخیِ حقیقی است؟

دارم سعی می‌کنم لب کلام را دریابم!

این وسواس‌های فکری را می‌گذارم کنار.

آمریکا چیزی نگو، خودم می‌دانم دارم چه کار می‌کنم.

آمریکا شکوفه‌های درخت آلوچه دارد می‌ریزد.

چند ماه است که روزنامه نخوانده‌ام، هر روز یک نفر دارد کسی را می‌کشد و دادگاهی می‌شود.

آمریکا من واقعا سر و بلی‌ها (4) احساساتی می‌شوم.

آمریکا من دیگر به کمونیست بودن عادت کردم، آن هم از زمان کودکی، و اصلا هم ناراحت نیستم.

هر وقت هم فرصت کنم می‌روم سراغ بنگ.

می‌نشینم توی خانه؛ ام، از صبح تا شام، و خیره می‌شوم به گل‌های سرخ روی گنجه.  
وقتی می‌روم محله؛ چینی‌ها، پاتیل می‌کنم و کسی هم برای خودم گیر نمی‌آورد.  
یک بدبختی دیگر توی راه است، می‌دانم!  
باید می‌دید چطور مارکس می‌خواندم.  
روانکاووم فکر می‌کند حق با من است.  
چیزی ندارم به پروردگار متعال بگویم.  
یک جور نگرش شهودی و ارتعاشات کیهانی در من هست.  
آمریکا، تا حالا به تو نگفتم که چه کردی با دایی مکس(5)، بعد از آن‌که پا شد از روسیه آمد.  
دارم با تو حرف می‌زنم.

تو اجازه می‌دهی زندگی عاطفی‌ات تحت تاثیر مجله تایم باشد؟  
من که با تایم اغوا می‌شوم.  
هر هفته هم می‌خوانمش.

هر بار از گوشه مغازه آبنبات؛ فروشی رد می‌شوم؛ بینم که جلد مجله چطور به من خیره شده است.  
توی زیرزمین کتابخانه؛ عمومی برکلی هم می‌خوانمش.

همیشه دارد با من درباره احساس مسئولیت حرف می‌زند. تاجران جدی‌اند. تهیه‌کنندگان فیلم جدی‌اند. همه، جز من جدی‌اند.  
فکر کنم من آمریکا باشم.

و دوباره دارم با خودم حرف می‌زنم.

آلن گینزبرگ در شعرهای دیگری از جمله برجسته‌ترین اثرش، «زوزه»؛ نیز روایتی بلند از «آمریکا» و حرمان و اندوه هم نسلانش به دست می‌دهد. اگر در سده؛ نوزدهم و در شعر شاعرانی نظیر والت ویتمن به خرده روایت‌هایی از فخر به سرزمین مادری و سرودهایی در ستایش شخصیت‌هایی نظیر آبراهام لینکلن (شعر «ای ناخدا، ناخدای من!») برمی‌خوریم، در نیمه دوم سده؛ بیستم میلادی با الگوهای کاملاً متناقض مواجه می‌شویم که گاهی تحت تاثیر همان نمونه‌های کلاسیک به نگارش درآمده‌اند. بعضی از شاعران بیت از جمله ویلیام بارز تحت تاثیر آثار ویتمن بوده است اما در منظر اندیشه و ایدئولوژی، افکاری سراسر مخالف و وارونه ابراز کرده است.

راه آمریکایی؛ کورسو؛

در میان شاعران نسل بیت گریگوری کورسو نیز در شعری برجسته پذیرای این اعتراض شده است. او شعری بلند و سه‌پیزودی نوشته با عنوان «راه آمریکایی»؛

وجه کنایه و کمی هیستریک کورسو را می‌توانید در اپیزود اول این شعر ببینید:

من یک آمریکایی بزرگ هستم

غالبا احساسات ناسیونالیستی‌تان را می‌باید برایم گل می‌کنند!

آمریکا را دیوانه‌تان و دوست دارم!

اما خب می‌توانم ترسم برگردم آمریکا

حتی می‌توانم سوار امریکن اکسپرس (6) شوم...

\*\*\*

درست است که بخش اعظم ادبیاتی از این دست توسط هنرمندانی غیرآمریکایی از جمله در فرانسه، ایتالیا، آلمان، روسیه و اروپای شرقی تولید شده است، اما نکته‌تان جالب‌تر این که مهم‌ترین این نویسندگان و شاعران از دل سرزمین آمریکا برآمده‌اند. در شعر بلند «آمریکا» ی آلن گینزبرگ نه تنها سیاست سیادت‌تان و دیوانه‌تان؛ آمریکا با انتقادهای سرسختانه‌تان؛ شاعر مواجه است که از آن مشخص‌تر انتقاد شاعر به بنیان‌های فرهنگی در ینگه‌تان؛ دنیا بوده است. گینزبرگ بصراحت از نمادهای این فرهنگ، نظیر مجله‌تان؛ تایم سخن می‌گوید یا گریگوری کورسو، مشهورترین آژانس مسافرتی آمریکا را مورد طعن قرار می‌دهد. اتفاقا یکی از نوآوری‌ها و بدایع شاعران بیت بهره‌تان؛ گیری از زبان روزمره و استفاده از نمادهای کاملا شناخته شده اجتماعی است. آنها توانسته‌اند ادبیاتی فراتر از ادبیات شناخته شده معرفی کنند که در آن کلمات لطیف به شعر تبدیل نمی‌شود، بلکه واژگان به اصطلاح غیرشاعرانه، وجهی شاعرانه می‌یابد.

به عنوان مثال

یک همکاری فارسی - اسپانیولی علیه آمریکا

فقط شاعران آمریکایی نیستند که چنین به مبارزه کلامی به بنیان‌های آمریکایی برخاسته‌اند. در آمریکای لاتین از جمله پابلو نرودا یا فدریکو گارسیا لورکا، بارها آمریکا را موضوع شعر خود کردند یا دست کم بخشی از بن‌مایه‌تان؛ اعتراضی‌تان؛ شان را به همین موضوع اختصاص دادند. مثلا در سطری از شعر مشهور «ای برای والت ویتمن» از فدریکو گارسیا لورکا به فارسی بیژن الهی چنین می‌خوانیم: «مرغزاران را / رقص دیوارها می‌آشوبند، و آمریکا از ماشین‌ها و گریه‌ها خفه می‌شود.»

زوزه آمریکایی

شاهکار آلن گینزبرگ، «زوزه» نیز شعری است بلند که تمایلات ضدآمریکایی به شکل دیگری در آن بروز می‌کند. گینزبرگ در این اثر با لحنی عصبی و تا حدود زیادی خودانگیخته و ارتجالی به سوی بنیان‌های مهم فرهنگی آمریکا هجوم می‌برد. زوزه، شکل جدیدی از اعتراض و عصیان علیه هنجارهای اجتماعی را به جامعه ادبی آمریکا معرفی کرد.

زوزه در میانه دهه 50 میلادی نوشته و منتشر شد، درست زمانی که آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند وارد جنگ با ویتنام شوند و البته درگیری‌های نظامی و عملیات خود را نیز آغاز کردند. این سال‌ها، سال‌های به وجود آمدن نخله‌ها و جنبش‌های مهمی از جمله زمزمه‌ها و اولیه‌ها، هیپی‌ها علیه سیاست‌ها، آمریکا است.

از این حیث باید بگوییم زوزه، یکی از برجسته‌ترین نمادهای روح زمانه آمریکایی در اواسط قرن 20 میلادی است.

مجتبی هوشیارمحبوب

داستان نویس و مترجم

پی‌ان‌جی‌ان‌سی؛ نوشت

1. تاریخ و امضای شعر آمریکا نیز چنین است: 17 ژانویه 1956.
2. اشاره به طرفداران لئون تروتسکی انقلابی بلشویک و مارکسیست روسی.
3. ویلیام سیوارد بارز (1914-1997) نویسنده و شاعر؛ یکی از سه چهره‌ان‌جی‌ان‌سی؛ مهم نسل بیت در کنار آلن گینزبرگ و جک کرواک است. او چند سال از زندگی‌ان‌جی‌ان‌سی‌اش را در طنجه، شهری در مراکش سپری کرد.
4. آی دابلو دابلو (Industrial Workers of the World) یا وُلی‌ان‌جی‌ان‌سی‌ها اشاره به جمعیت کارگران صنعتی جهان دارد که در سال 1905 در ایلینویز شیکاگو پایه‌ان‌جی‌ان‌سی‌گذاری شد.
5. دایو آلن گینزبرگ: مکس لیورگنت (Max Livergant) که بعد از مهاجرت به آمریکا به دلیل تفکرات سیاسی‌ان‌جی‌ان‌سی‌اش با مشکلات زیادی دست به گریبان شد.
6. یکی از مشهورترین آژانس‌ان‌جی‌ان‌سی‌های مسافرتی آمریکا که اکنون به شرکتی چندملیتی و با خدماتی گسترش یافته‌ان‌جی‌ان‌سی‌ها در حوزه‌ان‌جی‌ان‌سی‌ها مالی بدل شده است. این شرکت در منهن نیویورک قرار دارد.

<http://press.jamejamonline.ir/Newspreview/320463945721215209>